

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره‌ی فدرالیسم در ایران

آزاد مستوفی

ندای آزادی: آیا دولت غیر متمرکز همان دولت فدراتیو است؟ اگر نه تفاوت آنها چیست؟

آزاد مستوفی: دولت غیرمتمرکز یک واژه ی بسیار گسترده است که به سختی می توان مرزها و محدوده های ایران را به لحاظ حقوقی شناسایی و تبیین کرد. این واژه شاید تنها زمانی معنا پیدا کند که در برابر واژه ی حکومت متمرکز قرار بگیرد و پس از آن، معنای خود را از دست می دهد. اما واژه ی فدراتیو حقوقی تر و به لحاظ فورماسیون، بیشتر قابل بررسی، تعریف و همچنین مرز و محدوده است. در نظام های فدراتیو، شرط لازم، غیرمتمرکز بودن و شرط کافی، تعیین تمامی حدود و اختیارات بر اساس رضایت و توافق است.

ندای آزادی: در کشوری مانند ایران با توجه به تنوع زبانی، ملی و قومی آیا نظام فدرالیسم نظام مناسبی است. اگر آری چه نوع فدرالیسمی برای کشور ما مناسب است: فدرالیسم بر اساس تقسیمات جغرافیایی (استانی) و یا بر اساس زبانی- ملی/قومی؟

مستوفی: فدرالیسم مناسب ترین نظام برای اداره ی ایران است نخست به لحاظ گستردگی جغرافیایی، دوم تنوع اقلیمی، سوم، تنوع ملی، چهارم، تنوع زبانی. از سوی دیگر با نگاهی به تاریخ سیاسی ایران به روشنی متوجه این موضوع می شویم که یکی از مهمترین علل و عوامل توسعه نیافتگی در ایران، همین تمرکز بوده است که همواره با تعریف و نهادینه سازی مرکز-پیرامون، توسعه را تنها محدود به یک

جغرافیای بسته نموده است. مورد دیگر آنکه اساسا در دوره های کوتاهی از تاریخ که ایران به شیوه ی عدم تمرکز اداره شده است بنا بر گزارش های تاریخ، هم وضعیت کشور بهبود یافته است و هم شاخص های عدالت و دادگستری صعودی بوده اند. به باور ما کوردها فدرالیسم در دسترس و در مقطع کنونی برای ایران، یک فدرالیسم ملی-جغرافیایی است و همچنانکه از نام آن پیداست پایه آن، تنوعات ملی و گستره ی جغرافیایی ساکنان آن است اما حالت ایدئال آن، فدرالیسم مولتی ناسیونال با تمام ضرورت ها و بایسته های حقوقی آن است.

ندای آزادی: ساختار و محتوای نظام فدرالیسم براساس تقسیمات جغرافیایی چه تفاوتی با فدرالیسم بر اساس ملی/قومی دارد؟ بعنوان مثال شرط برخورداری از حقوق شهروندی (مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن) در هر کدام از ایالات، ساکن بودن هر شهروند ایرانی در آن شهر و منطقه است، یا داشتن تعلقات قومی و ملی آن منطقه؟

مستوفی: با توجه به مناطق سایه روشن ملی در جغرافیای ایران، شاید بتوان تنها بر اساس پایانی جغرافیایی عمل کرد چون جغرافیای مورد گفتگو می تواند تبدیل به مناقشات بزرگ شود بنابراین هم موضوع جغرافیا و هم تنوعات ملی باید در گفتگوهای منجر به تصویب قوانین، مطمح نظر قرار بگیرد. در هر حال، هرچه به قانون تبدیل می شود باید بر اساس گفتگو و رضایت طرف های واقعی باشد و همین موضوع، مهمترین وجه فدرالیسم است.

ندای آزادی: آیا این چند حوضه ای که نام می بریم باید در اختیارات دولت مرکزی فدرال باشند؟: نیروی نظامی و دفاع از مرزها؛ روابط خارجی (وزارت امور خارجه)؛ برنامه ریزی های کلان و بلند مدت اقتصادی؛ سیاست های مالی، پولی و مالیاتی؛ استخراج معادن و منابع زیر زمینی؛ نظارت بر انتخابات و حسن اجرای قوانین در هر ایالت؛ دادگاه ها و کل سیستم قضایی.

مستوفی: هم چنان که مطلع هستید بیش از 70 نوع فدرالیسم را بر اساس اقتضات موجود کشورها می توان شناسایی کرد. پیش از این گفته شد اصل بر توافق و رضایت است و می توان با مطالعه ی مدل های گوناگون در کشورهای مختلف، بهترین گزینه را برای ایران فردا شناسایی کرد. به باور ما کوردها هرچه سیستم غیرمتمرکزتر باشد می توان به نتایج بهتری در قالب یک همزیستی توافقی دست پیدا کرد. بگذارید مذاکره و توافق و اجماع، مشخص کند که کدام حوزه ها باید از اختیارات دولت فدرال باشد.

اما بدون شک مواردی را که نام بردید بر عهد دولت مرکزی فدرال است.

□□